

کهنسال و دیرینه بر عهده دارد. در این تمدن، چهارچوب ایرانی ورزش چیست که قریب پنجاه سال نادیده گرفته شده است؟ ما چهارچوب ورزش خود را نشناخته ایم. برای اینکه ما ارزش های بوسیدن خاک گود، خم شدن به هنگام ورود به زورخانه، احترام به پیر و پهلوان، حرمت به هدف های مبارزه جویانه و درعین حال جوانمردانه، ورزش ایران را فدای بیست تارتان و چمن فوتبال کرده ایم. به جای اینکه ایمن به ورزشکار بدهیم، کفش «آدیداس» تقدیمش کرده ایم و به جای اینکه به او بقبولانیم ورزش وسیله ایست که تو با آن زندگی و رشد کنی، به او فهمانده ایم که ورزش وسیله ایست که تو با آن گدایی کنی. ما او را در برابر موجی که از غرب برخاسته است، به عقده ای حقارت و کوچکی مبتلا کرده ایم. ما بارها در المپیک مونترال شاهد بودیم که تیم ها و قهرمانان ما خودباخته و از پیش تمام شده، به میدان می آمدند، چرا که برای آنها از غول تکنولوژی غرب داستان ها سروده بودیم. این بچه ها شکست را امری طبیعی و سرنوشت محتوم خود می دانستند. ما از یاد برده ایم که ورزشکار ایرانی وقتی روی صحنه می آید، نیمی از قدرت اش را از اعتقاداتش می گیرد. یک «پا علی» که محمد نصیری می گوید، تمام ریشه های جان اش را آبیاری می کند. وقتی وزنه را بالا می کشد، به خاطر این نیست که بر وزنه پیروز شود، به خاطر این است که علی (ع)، زیر بغلش را گرفته است. بیایید عقلمانه و منطقی، جای «علی» را با «هانس» عوض نکنیم. علی در خمیره اینهاست. هانس در آلمان زندگی می کند. از قفس تنگ تخصص هایپتان بیرون بیایید و در لایتهای اینک

تیم اعزامی المپیک ۸ هزار کیلو اضافه بار داشت

عصر دیروز یک هواپیمای باری جمدانهای اضافی ورزشکاران و اعضای تیم اعزامی به المپیک مونترال را که ۸ هزار کیلو وزن داشت بتهران حمل کرد. پس از ارزیابی مأمورین گمرک مهرآباد در اختیار نماینده

سازمان تربیت بدنی ایران قرار گرفت. بار اضافی ورزشکاران همان عصر دیروز بسالن ورزشگاه امجدیه انتقال یافت تا پس از مراجعه به ورزشکاران و سایر اعضای تیمهای اعزامی به کانادا تحویل شود. یک مقام گمرک مهرآباد در مورد وزن و تعداد جمدانهای ورزشکاران و گروه اعزامی به المپیک مونترال اظهار داشت، میزان بار اضافی ورزشکاران عادی بود. به همین علت از بار اضافی آنان حقوق و عوارض گمرکی دریافت نشد.



انسان مرکز همه چیز و تمامی نقطه ای امکان است، دقیق شوید. این را باور کنید که هر انسانی، آتشفشانی است و اگر آتشفشانها دست به دست هم دهند، تمام افق شرق شکوفه باران خواهد شد. از میهمانان بزرگوار مونترال، یکی هم ناصر ملک مطیعی بود که عاشق ورزش بود و چهارسال به چهارسال با هزینه ی خودش عازم المپیک ها می شد تا از حضور ۲۴ ساعته در سینما خستگی در کند، اما نتایج کاروان، او را هم افسرده کرد.

۱۳- چند رنگ ها:

المپیک مونترال ۱۹۷۶ از راه رسید و ورزش ایران در آن، چنان به شکست آلوده شد که اعلام انحلال سازمانی اش در سراسر کشور پیچید. ۲۴ مرداد ۱۳۵۵، شخص اول مملکت، با صدور فرمانی درباره ی انحلال سازمان تربیت بدنی، اعلام کرد که

در کاروان اعزامی به مونترال و رکوردسازی های دروغین فدراسیون ها قبل از اعزام، که اعلام کرده بودند برای درو کردن رکوردهای جهانی به مونترال می روند، جامعه ی ورزش را دو چندان آزرده بود. نکته ی نمادین اختتامیه ی مونترال این بود که یک هواپیمای باری که از تهران برای بردن وسایل اعضای کاروان به کانادا رسیده بود، در فرودگاه مونترال با هشت هزار کیلو اضافه بار مواجه شده بود. وقتی که بار اضافی کاروان ناکام توریست ها به امجدیه انتقال یافت تا ورزشکاران با مراجعه به آنجا، سوغاتی های خود را پس بگیرند، چشم های همه پراز شماتت بود. از فردای آن روز، دیگر ورزش ایران تشکیلاتی نداشت که جواب ارباب رجوع را بدهد. اما همان زمان هم برخی مدیران فدراسیون ها، در گوش هم به پیچیده می گفتند که ورزش در غیاب تشکیلات اش چه بسا روان تر عمل می کند! فرجام داستان این انحلال، نه به تاسیس وزارت ورزش رسید و نه با دگرگونی های بنیادی مواجه شد و کمی بعدتر ریسی، در صدر ورزش نشست که سپهد دیگری بود و ورزش را با همان تشکیلات خموده ی قبلی باید اداره می کرد. بعد از فاجعه ی مونترال و انحلال تشکیلاتی ورزش، مردی به جای حجت نشست که نامزد فرماندهی نیروی هوایی ایران بود، اما شاه، تیمسار دیگری در پست دلخواه او گذاشت و خلبان چشم آبی که از این پست ورزشی ناقابل ناراضی بود، تا زمان انقلاب در ریاست ورزش ماند و روزمرگی ها را از سر گذراند.

شکست مفتضحانه ی ورزش ایران در المپیک مونترال ۱۹۷۶، که ضعیف ترین نتایج طول تاریخ را از آن خود کرد، قصه های زیادی در مونترال

«سیاست ها و برنامه های ورزش مملکت باید از بیخ دگرگون شوند.» خبر این دگرگونی بزرگ بلافاصله در مجامع ورزشی پیچید و رسانه ها به جان کارشناسان افتادند تا از آنها درباره ی این فروپاشی و فرمان شاهانه نظرخواهی کنند. بسیاری از فعالان و روسای فدراسیون ها، از این انحلال استقبال کرده و ضرورت زیربناسازی در مدل کشورهای پیشرفته در ورزش را پیش کشیدند. اما اما این فقط ظاهر قضیه بود. پوسته ی ظاهری چنین انحلالی از آنجا سرچشمه می گرفت که کاروان پر تعداد ایران در المپیک مونترال، با تحمل شکستی بی سابقه و تنها یک نقره ی منصور برزگر در کشتی و یک برنز محمد نصیری در هالت، به مملکت برگشته بود و دلسوزان از آن به عنوان فاجعه ی ملی یاد می کردند. این در حالی بود که تعداد زیاد همراهان و خدمت و حشم



من از پولادم!

محمد نصیری فدرال المپیک
۱۹۷۶ در حال المپیک ۱۹۷۶
مونترال با گروهی از بازیکنان
از طرف در رسیدن و انجام
بسیاری از آن زمانها...
بازی از قبل جرمی وادی وادی
راحتی استگشت که با کوشش در
گرفت و بعد آنروز کشته شد او
بسیار باکمال از قافله جبهه سانه و
فهریات بر شاهای سایر کشورها
با تکسیر و کوه های او را از هر
سوی زخمی کرده نصیری که او
وادی فرانسوی شده تا برنام در
ساده های او شاه ایران و مصر
با متوجه خوب و او... کسوف در
مروین وادی دهای بگرا و دهای
بخشید تا کوه این مروین دایم
باید تا وقتی روی سکوی المپیک
المپیک مونترال برده ای زیادی با
تعلیم کسوف خسته با از این
شد که نصیری تک وانه برای
تاریخ نامی نصیری که بودی
حفظ شد که از پولاد استوری
تکسیر او را با آخرین نوبت های
اوج دست ملاحظه سیکه و سا
استوارس که نصیری این
فرهنگی را هر نوبه غبه بونه
بگوبه و صحنه کوهی از پولاد
سکولاهای المپیک بود.